

جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی - فضایی روستاهای از محیط‌های شهری

علی شمس الدینی*

۱۳۸۷/۴/۲۴

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۷/۹/۲۷

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده:

سکونتگاه‌های روستایی به عنوان چشم‌انداز فرهنگی حاصل از تعامل بین انسان و محیط؛ در طی فرایندهای متأثر از عوامل و نیروهای درونی و بیرونی دچار تغییر و تحولاتی در بافت کالبدی - فضایی خود شده‌اند، که این امر موجب پدید آمدن مشکلات و نارسانی‌های فراوانی برای زیست و ادامه سکونت در این روستاهای شهری شده است.

در این راستا شهرها بعنوان کانون برتر در هر فضای جغرافیایی تأثیرات گسترده‌ای بر روند دگرگونی فضایی روستاهای با اشعاعه الگوها و شیوه‌های معيشی خود داشته‌اند. در این بین مسکن روستایی به عنوان شاکله اصلی هر سکونتگاهی برای استفاده بهینه ساکنین آن نیازمند تغییر در شکل، سیما و به تبع کارکرد خود؛ در تأثیر پذیری از این تحولات و به تقلید از محیط‌های شهری می‌باشد. از این رو در مقاله حاضر نگارنده با رویکردی کاربردی و با تکیه بر اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی به تحلیل و بررسی جایگاه مسکن روستایی در روند تغییرات حاصله از فرایند زمان و مکان در روستاهای از شیوه‌های زندگی شهری می‌پردازد.

مقدمه

فضایی خود شده‌اند، که شناخت و تبیین ابعاد این دگرگونی‌ها؛ در راستای برنامه‌ریزی فضایی و ارائه الگویی مناسب جهت توسعه و آبادانی روستاهای نیز فراهم نمودن محیط زیستی شایسته و درخور روستاییان مهم می‌باشد.

در این بین بافت کالبدی - فیزیکی روستاهای به عنوان تجلی گاهی از شیوه زیستی - فرهنگی روستاییان

جوامع روستایی به عنوان بخشی از نظام سلسه مراتب سکونتگاهی کشور در طی دهه‌های اخیر با توجه به دگرگونی‌های حاصل از سیاستهای اجتماعی - اقتصادی بخششای دولتی و خصوصی، ضمن ایجاد رابطه‌ای پیچیده و تنگاتنگ با جوامع شهری دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری در عرصه کالبدی -

* دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

و تغییرات حاصله از تأثیرپذیری این روند از محیطهای شهری بواسطه مکانیزم‌های خاص روابط شهر و روستا، با رویکردی تحلیلی - توصیفی متکی بر کار کتابخانه‌ای و میدانی به تحلیل عوامل مؤثر بر این دگرگونی (از جمله رابطه شهر و روستا) و مهمتر از همه جایگاهی که مسکن روستایی می‌تواند در این تحولات و تأثیرپذیری ایفا نماید، با تأکید بر کانونهای روستایی با فاصله نزدیک به شهر نورآباد از توابع شهرستان ممسنی می‌پردازد.

تحولات کالبدی - فضایی در محیط‌های روستایی

روستانشینان به عنوان یکی از اولین ساکنان زندگی اجتماعی بشری؛ همواره و در طی زمان از نقش مهمی در فرایندهای تاریخی - تمدنی هر سرزمینی برخوردار بوده‌اند. به گونه‌ای که روستاهای بعنوان کهن‌ترین شکل سکونتگاه‌های انسانی بنا بر ماهیت خویش و متناسب با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بویژه محیط جغرافیایی که در آن واقع شده‌اند، دارای سازماندهی درونی و کالبدی خاص در زمینه نوع سکونت و شیوه‌های متفاوت در نوع معیشت و زندگی می‌باشند و همگام با ضرورت‌های تاریخی و نیاز ساکنان آن برای مدت‌های کم و بیش طولانی رشد، حیات و در نهایت تحول یافته‌اند.

بدین سان؛ تطورپذیری و پویایی یکی از ویژگیهای سکونتگاه‌های انسانی می‌باشد که در فضا و طی روندهای زمانی؛ به مدد تبادلات، تغییر شکل‌ها و نقل و انتقالات صورت می‌پذیرد و همواره خود را به صورت جابجایی جمعیت، انتشار و اشاعه فرهنگ،

(چه نتیجه یک روند شکل‌پذیری مبتنی بر برنامه و یا حاصل برپایی و گسترش خود به خودی باشد؛ (طالب و همکاران، ۱۳۷۵، ۱۱۹) در گذر زمان و با تغییر در ساختار و کارکرد روستاهای پدید آمدن نیازمندیهای نوین برای روستاییان، اگر نتواند خود را با شرایط زمان و مکان آن جامعه سکونتگاهی وفق دهد، به مرور باعث ایجاد عدم رفاه اجتماعی، توسعه نیافتگی روستایی، و در نهایت مهاجرت روستاییان از آن مکان سکونتی خواهد گشت.

به دنبال این تحولات؛ مسکن روستایی نیز به عنوان جزئی اصلی از عناصر شکل دهنده هر روستا از این تغییرات مصون نبوده و برای از دست ندادن کارایی اولیه خود بعنوان سرپناه و محل کار و اشتغال روستاییان، باید در این دگرگونی‌ها برای رسیدن به کارکردی مطلوب و فراهم نمودن محیطی امن توأم با رفاه نسبی برای ساکنان آن سهیم شود. با این تحولات فضایی در عرصه روستاهای و بروز مشکلات و نارسایی‌های منتج از آن در شیوه سکونت و معیشت ساکنان آن، همراه با پیچیده شدن هر چه بیشتر روابط و مناسبات شهر و روستا (به نوعی وابستگی روز به روز روزستاییان به شهر)، و به دنبال آن تأثیرپذیری از محیط‌های شهری و تقليد از آداب و رسوم زندگی و شیوه‌های سکونتی آنان، (برای به دست آوردن زیستی دلخواه و شایسته) بافت و سیمای فضایی - کالبدی روستاهای به شدت دستخوش دگرگونی و تحول گردید. از این رو مسکن روستایی نیز هماهنگ با سایر اجزا و بافت سکونتگاه‌های روستایی مورد تحول و بازنگری قرار گرفته است.

با این تفاسیر، در پژوهش حاضر نگارنده ضمن بررسی فرایند زمانی و مکانی تحولات کالبدی روستاهای

جریان کالا، انرژی، اطلاعات و سرمایه نشان می‌دهد (دولفوس، ۱۳۷۰: ۷۱).

برای روش‌تر شدن مطلب می‌توان از فرایند حیات و پاگیری سکونتگاه‌های روستایی به عنوان نمونه‌ای کامل از چرخه دگرگونی در محیط‌های سکونتی یاد کرد. بدین گونه؛ «که با اسکان یافتن گروه‌های کم جمعیت انسانی که به شیوه‌های اولیه^۱ امراض معاش می‌نمودند، (بنابر علقوه‌های خویشاوندی، رابطه مکانی و ویژگی‌های اجتماعی مشترک)، برای برخورداری از امنیت بیشتر، استحصال آب و مراقبت از محصولات کشت شده» (مهدوی، ۱۳۷۷: ۶-۸)، به همراه تقسیم کار به منظور استفاده بهتر از محیط پیرامونی خویش روستاهای با تغییر در نحوه معیشت (از شکل اولیه به کشت زراعت توأم با دامپروری)، شکل گرفتند و به مرور زمان و مکان با توجه به گسترش اقتصاد سرمایه‌داری و تحولات سیاسی- اجتماعی در عرصه سرزمین‌ها، «به خصوص در نیم قرن اخیر با پیچیده شدن روابط انسانی و بالطبع سکونتگاهی دستخوش عمیقترین زیر و روشنگی‌ها، درهم ریختها، و دگرگونی‌ها در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی خود شدند» (فیروزنا و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۴)، از این رو بررسی و تبیین این تحولات از این منظر که معمولاً دولتها همواره در تلاش برای ایجاد تحولات و دگرگونی دلخواه خود در روستاهای بوده‌اند، حائز اهمیت می‌باشد (منبع قبلی ص: ۹۵).

شهر و تحولات کالبدی - فضایی در روستاهای

در یک سیستم فضای سرزمینی، ناحیه‌های بعنوان یک مجموعه متکل از شهرها، شهرکها و روستاهای پیرامون آنها می‌باشد، که ضمن شکل دهی فضایی مختلف الجنس در عرصه‌های سکونتگاهی، قسمتهای

روستاهای بعنوان کهن‌ترین شکل سکونتگاه‌های انسانی بنا بر ماهیت خویش و مناسب با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بیوژه محیط جغرافیایی که در آن واقع شده‌اند، دارای سازماندهی درونی و کالبدی خاص در زمینه نوع سکونت و شیوه‌های متفاوت در نوع معیشت و زندگی می‌باشد.

بنابراین بستر طبیعی یک سکونتگاه و تغییرات ایجاد شده در آن مانند ساختمان‌ها، خیابان‌ها، تسهیلات و تأسیسات عمده مورد نیاز ساکنان آن مکان بر حسب ضرورتهای زمانی - به عنوان عناصر کالبدی اشغال کننده آن فضا محسوب می‌شود (بحرینی، ۱۳۷۰: ۳۳۹). از این رو؛ این مجموعه مکانی - فضایی تحت عنوان یک نظام به هم پیوسته، متکل از اجزا و عناصری مرتبط با یکدیگر، که از کنش متقابل نیروها و عوامل محیطی شکل گرفته است، دارای ساختار و کارکردهای معینی می‌باشد (سعیدی، ۱۳۷۹: ۷-۵)، که در گذر تحولات و رخدادهای پیش آمده (در تاریخ هر کشور) متأثر از نیروها و روندهای درونی و بیرونی حاکم بر عرصه‌های روستایی، چهار تغییرات و دگرگونی‌های اساسی در بافت و کالبد فضایی خود شده‌اند و برای آنکه بتوانند به حیات و رشد خود ادامه دهند نیازمند همگامی و هماهنگ شدن با تحولات پیش آمده در دیگر عرصه‌های سکونتی جامعه و به روز کردن شرایط زیست و محیط سکونتگاهی خود با تکنولوژی، شرایط اجتماعی - اقتصادی و محیط تغییر یافته پیرامون خود می‌باشد.

آشناشدن با شیوه‌های زندگی شهری (برای عقب نماندن از قافله تمدن) ناچار به تبعیت از فرهنگ شهر گردید (طالب و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۲). کما اینکه هانری لوفربر^۱ بیان می‌دارد: «در یک فضای جغرافیایی الگوهای مصرف و زندگی شهری در روستاهای دور و نزدیک به اندازه کافی - با توجه به سازوکارهای حاکم بر روابط شهر و روستا - رخنه کرده و موجب برهم زدن جامعه سنتی روستاهای سبک زندگی قدیمی آنها شده است (توسلی، ۱۳۸۳: ۱۹۷-۱۹۸).

پس افزایش رابطه شهر و روستا به تبعیت از گسترش شبکه‌های ارتباطی، توسعه پوشش رادیو و تلویزیون، ورود روابط پولی در جامعه روستایی، توسعه مؤسسات آموزشی و علی الخصوص انجام اصلاحات ارضی و حذف قدرت سیاسی مالک از روستا موجبات تأثیرپذیری جامعه روستایی ایران از شهر و آغاز فرایند تغییر و تحولات روستایی را فراهم آورده، به نحوی که امروزه جوامع روستایی به سرعت راه ادغام در جامعه کلی را طی می‌کنند (طالب و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۴-۶۳).

بطور کلی اشکال تأثیرگذاری شهرها در این تغییرات کالبدی - فضایی بر روستاهای را می‌توان به دو صورت بیان نمود:

اول اینکه شهر با بسط و گسترش روزافروزی خود به لحاظ افزایش چشم اندازهای زیبا و دیدنی (رستورانها، پارکها، سینما و آمفی تئاتر، بازارهای لوکس و پرزرق و برق، ساختمان‌های زیبا و مجلل، مراکز بزرگ آموزشی - بهداشتی و مهم‌تر از همه تبلیغات دنیای سرمایه داری در مورد شهرها تحت عنوانین آرامش و آسایش خاطر در زندگی، کار پر درآمد، دنیای امکانات و تسهیلات معیشتی «کما اینکه

مختلف آن ناحیه ضمن ایجاد پیوند و ارتباط، مکمل یکدیگر می‌باشد. در این بین تعاملاتی که بین هر ناحیه جغرافیایی و نواحی مجاورشان، و نیز پیوند و ارتباطی که بین کانون برتر آن ناحیه؛ با سکونتگاه‌های تحت نفوذ آن وجود دارد، عامل تحکیم دهنده بین نواحی و تأثیر گذار در فرایند تغییر و تحولات و به تبع حیات و توسعه در عرصه‌های ساختاری - کارکردی هر ناحیه می‌باشد.

بنابراین شهرها و روستاهای به عنوان اجزای تشکیل دهنده یک سیستم در یک فضای جغرافیایی خاص قلمداد می‌شوند «که بین آنها پیوندها و تعاملات مختلفی نظیر جریانات اساسی از رفت و آمد مردم، کالا و سرمایه وجود دارد، که این جریانات با دو ماهیت اثر گذار و اثر پذیر روندهای سکونتی شهر و روستا را هدایت می‌کنند» (شاریه، ۱۳۷۳: ۲۳۵). پس هر فضای شهری به اندازه وسعت و اهمیتش برای محیط پیرامونی و منطقه خویش قطب توسعه منحصر به فرد محسوب می‌شود، به گونه‌ای که در پاره‌ای از نواحی نزدیک به شهرها و پیرامون آنها به دنبال افزایش روابط و پیوندهای روستا - شهری؛ همچنین گسترش عناصر شهری در فضای روستایی و در پی آن نفوذ فضاهای شهری و روستایی در یکدیگر، پدیدهایی به وجود می‌آید که به رشد شهرنشینی پیراشهری و یا به عبارتی دیگر پیرا روستایی معروف شده است (پاستیه و همکاران، ۱۳۷۷: ۹-۸).

جریان این تأثیرپذیری روستا از شهر در کشور ما با انقلاب مشروطیت و رسوخ فرهنگ غربی در شهر و تشکیل سازمان‌ها و نهادهای دولتی شروع می‌شود، به گونه‌ای که جامعه روستایی با گسترش وسایل ارتباطی و افزایش رفت و آمد روستاییان به شهر، ضمن

جريان های خاص ارتباطی و مبادله ای و همچنین با سازوکارهای فرهنگی - اقتصادی و رفت و آمدی مابین ساکنان شهر و روستا از این کانون های مرکزی به سوی پیرامون اشاعه و گسترش یافت. حال برای هماهنگی و همگام شدن با این تحولات و فرایندهای زمانی - مکانی حاصل از آن؛ روستاهای نیازمند تغییر در بافت، کالبد و فضای خود شدند. از این رو روستاییان برای سازگاری در استفاده از این شیوه های سکونتی - معیشتی جدید (به تأثیر از شهرها) در هر مکان جغرافیایی مجبور به تغییر در فضای پیرامونی و سکونتی خویش گشتد.

در نهایت، شهر فضای روستایی را (با ساز و کارهای هماهنگ و پیوسته خود) به جنب و جوش و تحرک واداشته و ضمن ساختاربندی، در آن با مایه‌های از کندی و درنگ؛ یافته‌های اقتصادی و فرهنگی خود را وارد می‌سازد (شاریه، ۱۳۷۳: ۱۱).

مسکن روستایی

یکی از عناصر مهم در فضای روستاهای مقوله مسکن می‌باشد، که به عنوان نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی پیرامون خویش؛ در طی سالیان متتمادی بر حسب شرایط زمانی - مکانی (به ویژه تاریخ، فرهنگ و مبانی اقتصادی - ایدئولوژیکی سازندگان آن) در هر منطقه شکل گرفته، و به نوعی نشان دهنده نوع فعالیتها در بعد اقتصادی و نگرش اجتماعی - فرهنگی روستائیان و چگونگی تحول و استفاده از تکنولوژی و نهایتاً سطح درآمد و معیشت ساکنان آن می‌باشد. «به بیانی دیگر ابتداً ترین، اصیلترین و در عین حال پیچیده ترین صورت مساکن انسانهای یکجانشین، مسکن روستایی است؛

می‌باشد» و صدھا مورد دیگر) در محیط سکونتگاهی خویش، روستاییان را هنگام رابطه و رفت و آمد به شهر؛ با این تجملات آشنا می‌سازد، به گونه‌ای که این رفت و آمدها موجبات دگرگونی در ذهن و اندیشه روستایی گردیده و روستایی برای استفاده از این امکانات و تسهیلات نوین زندگی ناچار به سازگار کردن محیط مسکونی خود با این تحولات می‌شود. می‌بینیم که تغییر در اندیشه، سنن و فرهنگ روستاییان در الگوپذیری از شیوه‌های معیشتی محیطهای شهری آنها را وادار به ایجاد تغییرات در فضا و کالبد روستای خود برای هماهنگ شدن با تحولات زمانی می‌کند.

مورد دیگر: شهر با سازو کارهای سازمانی خود و برای گسترش خدمات رسانی به روستاهای ارائه امکانات زندگی به آنها، با خود الگوها و اشکال زندگی شهری را به روستاهای می‌برد. به گونه‌ای که در کشور ما بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و جهاد کشاورزی هرکدام با اجرای طرح‌های نوسازی و بهسازی در محیطهای روستایی برای ارائه تسهیلات معیشتی؛ در اولویت اول کالبد و فضای روستا را به سبک زندگی شهری دستخوش تحولات قرار داده اند، که نمود بارز آن را می‌توان در اجرای طرح هادی روستایی و ساخت فضاهای فیزیکی در روستاهای مشاهده نمود.

بنابراین به دنبال ایجاد تحولات در شهرها به تبعیت از نظام بین الملل و جهان سرمایه داری، الگوها و سبک‌های خاصی از زندگی در فضای سرزمینی ما رسوخ یافت «که گاهی با فرهنگ سنتی کشور ما سازگاری و همخوانی نداشت» اما این روند تغییر و تحولات که در فرایند جهانی شدن هیچ گزین و گزیری از آن نیز نمی‌باشد، ضمن پایداری در شهرها؛ بر پایه



تصاویر شماره ۱، ۲ و ۳: نمونه‌ای از ساخت خانه‌های مسکونی قدیمی با مصالح موجود در محیط، در روستاهای گر، پل و جنجان فهیان در شهرستان ممسنی (بهار ۱۳۸۷).

در نتیجه ریخت کلی روستا داشته است (طالب و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۸).

در پی تحولات پیش آمده در تاریخ کشور و ضرورت انجام اصلاحات و دگرگونی در قوانین

زیرا نه تنها نقش استراحتگاهی، بلکه نقشهای تولیدی، معیشتی، انباری و کارگاهی را در روستاهای بر عهده دارند» (حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۲۸).

پژوهشها در کشور حاکی از تأثیرپذیری مسکن روستایی از باورهای اجتماعی چون قناعت در زندگی و شکل گیری مساکن با استفاده از مواد و مصالح در دسترس و همسازی و همخوانی با محیط می‌باشد. به گونه‌ای که خانه روستایی مسکن و مأواه مردمی است که به صورت فردی یا جمعی به زندگی، کار و فعالیت مشغولند (سرتبی پور، ۱۳۸۶: ۲).

بنابراین در طول تاریخ شکل گیری روستاهای هم‌مان با سکونت و یک‌جانشینی، داشتن سرپناه و مسکن به عنوان اساسی‌ترین بخش از قلمرو سکونتی- زراعی هر روستا و هسته سازمان دهنده حیات روستایی مطرح بوده است. «در این میان اندیشه سازگاری خانه با محیط طبیعی از جمله مسائلی بوده است که ذهن سازنده خانه را همواره به خود مشغول داشته؛ و این دلمشغولی از یکسو به منظور مقابله با شرایط آب و هوایی محیط خارج صورت می‌گیرد و از سوی دیگر، به منظور تقلیل هزینه‌ها و کاستن از زحماتی که احداث بنا پیش می‌آورد، است (قره نژاد، ۱۳۸۱: ۳۱۹).

با نگاهی گذرا به نمونه‌های ساختمانهای روستایی در نواحی گوناگون کشور متوجه بهره برداری هوشمندانه روستاییان از مواد و مصالح موجود در دسترس برای ساخت منازل خویش می‌شویم (زرگر، ۱۳۸۵: ۱۶۳). «عکسهای شماره ۱-۲-۳».

بنابراین در دوره‌ای که روستاییان در انزواه مطلق یا نسبی بسر می‌برند و ارتباطات کمی با شهر و محیط اطراف خود داشتند؛ عوامل جغرافیایی و طبیعی نقش عمده‌ای در شکل داخلی و خارجی مساکن روستایی و

فرهنگی و اقتصادی - سیاسی است، که بنا بر مقتضیات زمان و با ملاحظه وضعیت ساختاری - کارکردی آن فضای جغرافیایی شکل گرفته‌اند (از کیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۷) از این‌رو، این فضا برای ماندگاری و ادامه حیات در عرصه سرزمینی و برآوردن احتیاجات ساکنان خود نیازمند ایجاد دگرگونی در کالبد و فضای اجتماعی - اقتصادی خود برای سازگاری و هماهنگ شدن با محیط پیرامون خود می‌باشد؛ که مسکن بعنوان مهمترین احتیاجات او از این تغییر مصون نیست.

خانه‌های روستایی از تحول مصون نیستند، ولی از آنجا که بروز هر نوع تغییری در مساکن مستلزم سرمایه‌گذاری است، و نیز شیوه آرایش خانه‌ها ریشه در عادت و فرهنگ جامعه بهره بردار دارد، دگرگونی در آن به تأثیر صورت می‌گیرد

در نهایت عوامل کلی در تغییر ریخت و بافت کالبدی روستاهای و بالطبع مساکن روستایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- تغییر در نحوه مالکیت اراضی زراعی؛
- ورود تکنولوژی و ماشین آلات جدید تولید به روستاهای که سبب استقلال مالی خانواده‌ها و افزایش درآمد آنها گردیده است؛
- افزایش میزان جمعیت، به دنبال رعایت مسائل بهداشتی و پزشکی در روستاهای؛
- تغییر نظام خانواده (از گسترش و پدرسالار به هسته‌ای و تک خانواده)؛
- مجاورت مکانی روستاهای به شهر و در بی آن مهاجرتها و رفت و آمد های مداوم به شهر؛

اقتصادی - اجتماعی، روستاهای به طور پیوسته و گام به گام وارد این تحولات شدند و برای رسیدن به برنامه‌های توسعه - دستوری - نیاز به زیر و رو شدگی نظام کهنۀ روستایی (ارباب - رعیتی) فراهم آمد و به دنبال اصلاحات ارضی و آزادسازی نیروهای انسانی و سرمایه از روستاهای روابط روستا - شهری نیز دستخوش این دگرگونی‌ها شد. از این‌رو به دنبال اصلاحات ارضی و در پی آن پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی سیاری از زنجیرهای قطع ارتباط شهر و روستا گستته و روستایی با دنیایی فراتر از قلمرو سکونتی خویش آشنا گردید. در جامعه‌ای که به مثابه یک سیستم می‌ماند، به دنبال تغییر در کالبد، فعالیتها و کارکردهای شهری و همچنین بسط و گسترش شبکه‌های ارتباطی و توسعه تکنولوژی و به تبع فشرده شدن «فضا و زمان» در قلمروهای سکونتی و پیوند هر چه بیشتر سکونتگاه‌ها به یکدیگر، لزوم تحول و تغییر در فضای روستاهای احساس گردید، که نمود بارز این دگرگونی و تحول را می‌توان در شیوه ساخت و شکل خانه‌های روستایی به تبعیت از مساکن شهری مشاهده نمود.

بنابراین خانه‌های روستایی از تحول مصون نیستند، ولی از آنجا که بروز هر نوع تغییری در مساکن مستلزم سرمایه‌گذاری است، و نیز شیوه آرایش خانه‌ها ریشه در عادت و فرهنگ جامعه بهره بردار دارد، دگرگونی در آن به تأثیر صورت می‌گیرد و همین امر سبب می‌شود تا بروز تغییر در مساکن روستایی، در مقایسه با تحولات اقتصادی جامعه سکونتگاهی با وقفه و درنگ مواجه شود (درئو، ۱۳۷۴: ۳۳۲).

به طور کلی عرصه‌های روستایی در سطح کشور به عنوان یک واقعیت مکانی - فضایی، برایتدی از تعامل مؤلفه‌های متفاوت اکولوژیکی - کالبدی، اجتماعی -

بنابراین در توجیه و بررسی مساکن روستا به عنوان جزئی از بافت کالبدی سکونتگاه روستایی، بایستی به ابعاد مختلف کالبدی و اجتماعی - اقتصادی آن توأم توجه نمود. که شامل:

۱. - وسعت و شکل فضای آزاد (مانند فضای حیاط و باغچه)؛

۲ - ارتباط نحوه ساخت بنا و مصالح ساختمانی مورد استفاده با محیط اطراف؛

۳ - شکل درونی خانه‌ها (تعداد اتاقها و کارکرد هر یک از آنها)؛

۴ - روند تکوین و گسترش سکونتگاه‌ها؛

۵ - شکل ظاهری خانه‌ها (شیوه ساخت و معماری آنها)؛

۶ - تسهیلات و امکانات خانه‌های روستایی؛

۷ - سطح زیربنا و سطح مفید بر اساس سطح مسکونی، سطح مورد استفاده اقتصادی، سطح انبارها و مانند آن، می‌باشد (سعیدی، ۱۳۷۹: ۷۵).

روستاییان از یک سو به دلیل عدم رعایت اصول ایمنی و فنی در ساخت مسکن در گذشته و از سوی دیگر عدم جوابگویی این مساکن با نیاز امروز جامعه روستایی، تغییر در مسکن روستایی را به تبعیت از ساخت مساکن شهری شروع نمودند، که مکانیزم حاصل بر این روند را می‌توان در دو شکل کلی توصیف نمود:

الف: روستاییان ضمن ایجاد رابطه و پیوندی ناگستینی با شهرها، الگوها و شیوه‌های ساخت خانه را از آنجا فرا گرفته و آن را در روستای خود به کار می‌گیرند؛ چرا که اینگونه مسکن شهری توانسته جوابگوی نیازهای امروزی ساکنان آن باشد. همچنین در مقابل خطرات و احتمالات پیش آمده طبیعی -

- اجرای طرح‌های هادی و بهسازی در محیط‌های روستایی به تقلید از فضای شهری؛
- غلبه فرهنگ و الگوی زندگی و معیشت شهرنشینی بر روستاهای (طالب و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۱). (۴۹)

تأثیرگذاری شهر بر ساخت مساکن روستایی

در مباحث پیشین به کرات لزوم ایجاد تغییر در فضای روستاهای و به تبع مسکن روستایی شرح و بسط داده شد، حال این سؤال پیش می‌آید، که این روند تحولات مسکن در روستاهای چگونه بوده است؟ چه بسا نادیده گرفتن و رها نمودن روستاهای و بی توجهی نسبت به مسکن و بافت کالبدی آنها، ضمن نادیده گرفتن شرایط آسایش برای بخش قابل توجهی از جمعیت کشور؛ برهم زدن تعادل اجتماعی - اقتصادی و کالبدی مناطق و متعاقب آن بروز نابسامانی در نظام سکونتگاهی کشور را به دنبال خواهد داشت (سرتیپی پور، ۱۳۸۵: ۴۹). بطوری‌که نابسامانی در وضع کالبدی و کیفیت نامناسب مساکن روستایی به لحاظ مقاومت در برابر حوات طبیعی (سیل، زلزله، رانش زمین، طوفان) از مشکلات مهم مساکن روستایی است که استفاده از مصالح کم دوام و بویژه عدم رعایت ضوابط فنی و اصول مهندسی در ساخت و ساز مسکن نقش مؤثری در این زمینه داشته است. از این رو، «الزمات بهسازی و مقاوم سازی ابینه و مساکن روستایی نیز ضرورت اصلاح و سازماندهی بافت‌های روستایی را ایجاب می‌کند. چرا که در اکثر موارد بدون اصلاح و بهسازی بافت روستاهای بهسازی و مقاوم سازی مساکن روستایی ممکن نیست» (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

انسانی کارآیی و جوابگویی بهتری از مسکن ساخته شده در روستاهای دارد.

به بیانی دیگر شهر با غلبه و سلطه فرهنگی - اقتصادی خویش بر روستاهای، پیش رفتن سکونتگاه‌های کشور به سوی پیوند و هماهنگ شدن؛ به گونه زنجیری به هم پیوسته از مادر شهرهای جهانی، ملی، ناحیه‌ای، روستاهای بزرگ و روستاهای کوچک در یک شبکه سلسله مراتب سکونتگاهی که بین تمامی اجزاء و عناصر آن ارتباط و پیوندی متقابل وجود دارد، شیوه‌های زندگی از بالادست این شبکه به پایین (از کانون‌ها و مراکز شهری به روستاهای پیرامون) تراویش و رخنه می‌یابد. و بر این اساس روستاییان تمایل به ساخت منازل خویش به سبک مساکن شهری دارند.

نهایتاً در این مورد؛ علت هم شکل شدن مسکن روستایی با شهر را باید در عواملی از قبیل رسوخ شیوه زندگی شهری به داخل روستاهای در نتیجه ارتباط هرچه بیشتر آنها با شهر دانست. به گونه‌ای که این آمد و شد موجب القاء نیازهای جدیدی شده است، و برخی از نیازهای محسوس روستاییان را محسوس کرده است (از کیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۱).

ب: دلیل دیگر این همشکل شدن را می‌توان در نقش بر جسته بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در این زمینه دانست، به گونه‌ای که «بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از آغاز تأسیس تا قبل از برنامه سوم توسعه کشور از طریق تهیی و اجرای طرح‌های هادی روستایی، ترویج مسکن از طریق مسکن نمونه در روستاهای و اعمال نظارت نسبی بر ساخت و سازهای روستایی، اقداماتی را در جهت بهبود وضع مسکن در روستاهای انجام داده است ولیکن در برنامه سوم توسعه کشور در فصل عمران و توسعه روستایی تمامی وظایف مربوط به ساخت و ساز مسکن



تصاویر شماره ۴ و ۵ : تبعیت ساخت منازل مسکونی روستاهای از منازل شهری در روستاهای مهرنجان و باجگاه در شهرستان ممسنی (بهار ۱۳۷۸).

منازل مسکونی خود را نیز بنا می‌کردند، و خوش نشینان بعنوان پایین‌ترین قشر ساکن در روستا از وضعیت نامناسبی در بعد مسکن برخوردار بودند. اما اکنون با فروریختن رده بندی‌های اجتماعی در روستاهای گسترش ارتباطات روستاییان با دیگر نقاط سکونتگاهی در جامعه، هر روستایی بنا بر میل و خواست خود خانه‌اش را بدون در نظر گرفتن پایگاهش در روستا بنا می‌کند (و چه بسا که اشاره کم درآمد و آسیب پذیر جامعه روستایی منازلی بهتر و بزرگتر از اعیان و صاحبان املاک روستا برپا می‌کنند) و این از بعد اجتماعی نیکو و پسندیده می‌باشد که هر کس آنطور که می‌خواهد و موجب رفاه و تعالی اوست زندگی و رفتار کند.

در مورد شکل داخلی خانه‌های روستایی مهم‌ترین مطلب به بعد اجتماعی - فرهنگی و سنن‌های رایج در جامعه روستا در گذشته بر می‌گردد. زیرا روستاییان عموماً به دلیل بافت بسته فرهنگی خود و عدم رابطه و رفت و آمد با دیگر ساکنان خارج از فضای روستای خود، و تعصبات و سنن موجود در روستاهای، با روحیه محافظه کاری شدید؛ زیاد مایل به نمایش گذاشتن جزئیات و مسائل خصوصی زندگی روزمره خود در دید عموم نبودند. نکته دیگر در این رابطه جدا بودن و به نوعی دور بودن (گذاشتن) زنان و دختران در کارها و عرصه‌های عمومی روستا بوده است، که به تبع اینکه در دید هر مهمانی باشند، مورد پسند نبود (و نمی‌باشد). اما منازل جدید به سبک شهری با فضاهای باز و حال و آشپزخانه مشترک؛ نتوانسته این پنهان کاری را رعایت نماید و گاهی سبب پدید آمدن مسائل و ناراحتی‌هایی در درون خانه‌ها و جامعه روستایی، شده است. که امید است

می‌باشد. بطوری که خانه بر اساس اصول مهندسی (تهیه شده برای شهرها) ساخته و پایه ریزی گردد. می‌بینیم که در این روند نیز به اجراء، ساخت منزل مسکونی بر اساس مساکن شهری می‌باشد (البته خود روستاییان نیز تمایل شدید به استفاده از الگوهای مسکن شهری دارند) زیرا بدلیل تغییر در شغل و کارکرد روستاییان، کارکرد خانه‌ها نیز باید تغییر کند و شکل و الگوی قبلی مساکن متتحول و همگام با نیازهای روز جامعه روستایی ساخته شود. (عکس‌های شماره ۴ و ۵).

بر پایه تفاسیر ذکر شده، بدون احتساب فواید ساخت مسکن روستایی به سبک امروزی، الگویی از ساخت مسکن در روستاهای کشور بدون همخوانی با شرایط جغرافیایی و فرهنگی روستاهای پیاده و اجرا می‌شود که در بسیاری از موارد نتوانسته آنگونه که باید نیازمندی‌های ساکنان آن را برآورده سازد. نمونه آن را در فضای اشغال کننده و شکل داخلی خانه‌ها مشاهده می‌کنیم.

هرگونه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مسکن روستایی در کشور هنگامی می‌تواند قرین به توفیق گردد که طرحها و اقدامات با ویژگیها و مشخصات معماری روستایی و سنتهای قومی - فرهنگی و تنوع اقلیمی موجود در مناطق مختلف کشور منطبق باشد

در گذشته به تبعیت از وضعیت اقتصادی و رده بندی اجتماعی ساکنان روستا؛ خانه‌ها در ابعاد و اندازه‌های متفاوتی ساخته می‌شدند؛ به طوری که خانه ارباب و کدخدای ده بسیار بزرگتر و دارای اتاقهای متعددی نسبت به خانه‌های رعایا بوده است. زارعین یا همان رعایا به نسبت جایگاهی که در روستا داشتند

جمع بندی

جوامع روستایی بعنوان پایین‌ترین بخش از نظام سلسله مراتب سکونتگاهی کشور در جریان آزادسازی نیروهای انسانی، سرمایه و گستن از بسیاری از آداب و رسوم اجتماعی خویش ضمن برقراری ارتباط و پیوندی تنگاتنگ با دیگر جوامع خارج از محیط روستایی (به مدد گسترش تکنولوژی و شبکه‌های ارتباطی) بعد از اصلاحات ارضی و انقلاب اسلامی برای اینکه بتواند خود را با شرایط جدید زندگی و جامعه هماهنگ سازند، نیاز به ایجاد دگرگونی‌های اساسی در محیط مسکونی خود داشته است. و از این رو با تکامل شیوه‌های معيشی در دیگر جوامع انسانی به خصوص در شهرها، روستاییان به تقلید از این تحولات، تغییرات بنیادین مهمی را در روستاهای برای قابل زیست کردن آن مکان سکونتگاهی، فراهم آورده‌اند.

بنابراین مسکن به عنوان مکانی جهت برقراری روابط خانوادگی و ایجاد همیستگی میان آنان در روستاهای، به دلیل تغییرات و تحولات در تمامی عرصه‌های سکونتگاهی کشور برای اینکه بتواند جوابگوی نیازهای روزمره ساکنان خود باشد، همگام با دیگر تحولات کالبدی در روستاهای مورد تغییر قرار

پی‌نوشت

۱- جمع آوری گیاهان، میوه و شکار پرندگان و جانوران و در نهایت دامداری

2- H. Lefebver.

منابع

۱- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری: توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران؛ چاپ دوم، نشر نی، تهران، ۱۳۸۶.

۲- باستیه، زان و برنارد دزر: شهر، ترجمه علی اشرفی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه هنر، تهران، ۱۳۷۷.

۳- بحرینی، حسین: «مفهوم و مشخصات طرح ریزی کالبدی» مجموعه مقالات اولین کنفرانس طرح ریزی کالبدی، مرکز مطالعات شهرسازی ایران، تهران، ۱۳۷۰.

در برنامه‌ریزی‌های کلان در راستای مسکن روستایی این مهم لحاظ شود.

بنابراین هرگونه سیاستگذاری و برنامه ریزی مسکن روستایی در کشور هنگامی می‌تواند قرین به توفیق گردد که طرحها و اقدامات با ویژگی‌ها و مشخصات معماری روستایی و سنتهای قومی- فرهنگی و تنوع اقلیمی موجود در مناطق مختلف کشور منطبق باشد (سرتیپی پور، ۱۳۸۴: ۴۴).

- ۴- تولسی، غلامعباس: جامعه شناسی شهری، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۳.
- ۵- حسینی ابری، سیدحسن: مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۰.
- ۶- درئو، ماکس: جغرافیای انسانی، ترجمه سیروس سهامی، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشار، تهران، ۱۳۷۴.
- ۷- دلفوس، اولویه: تحلیل جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، چاپ اول، نشر نیکا، مشهد، ۱۳۷۰.
- ۸- رضوانی، محمدرضا: مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ اول، نشر قومس، تهران، ۱۳۸۳.
- ۹- زرگر، اکبر: درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۰- سرتیپی پور، محسن: «شاخص های معماری مسکن روستایی در ایران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، دانشگاه تهران، ص ۵۲ - ۴۳، تابستان ۱۳۸۴.
- ۱۱- سرتیپی پور، محسن: «مسکن روستایی در برنامه های توسعه»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، دانشگاه تهران، ص ۵۶ - ۴۷، پاییز ۱۳۸۵.
- ۱۲- سرتیپی پور، محسن: «معماری مسکن در روستاهای ایران»، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۹، تهران، پاییز ۱۳۸۶.
- ۱۳- سعیدی، عباس: مبانی جغرافیای روستایی، چاپ سوم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۴- شاریه، ژان برنار: شهرها و روستاهای، ترجمه سیروس سهامی، چاپ اول، نشر نیکا، مشهد، ۱۳۷۳.
- ۱۵- طالب، مهدی و عباس، سعیدی: شیوه های سکونت گزینی و گونه های مسکن روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۶- طالب، مهدی و موسی عنبری: جامعه شناسی روستایی با ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۷- فیروزیا، قدری، محمدحسن ضیاء توانا و عبدالرضا رکن الدین افتخاری: «تبیین فرایند تحول روستا با بهره گیری از نظریه